گستـــرش رباخواری

با دستاویز پیش گیری از جـــرم

دکتر مهراب داراب پور – درج شده در مجله کانون وکلا بهار ۱۳۹۴

چکیـــده[۱]

برخی از نهادهای حکومتی، که در حسن نیّت آنها تردیدی نیست، با دلسوزی‌های غیر متفکّرانه و به تصوّر این که در حال خدمت به خلق خدا هستند و با باور به این که قصد نیک پیش گیری از جرم در جامعه را دارند، عامل بسیاری از تخلّفات در جامعه می شوند و باعث تخریب تولید و زندانی شدن خدمت گزاران خدوم جامعه می گردند. گاهی نهادهای دولتی به جای پیش گیری از جرم، با نادیده گرفتن قوانین تجارت، فقه، قانون مدنی و حقوق و فلسفه آن، وارد معاملات خصوصی مردم شده و امر به ارتکاب کاری بر خلاف قانون (مثلاً پرداخت اجباری ربا) می کنند که اقدامی بسیار خطرناک است. هرگاه در قضاوت، به موازین قضایی عمل نشود، فلسفه حقوق و منافع کشور فدای سود جویی عده ای ظاهراً خوش موهبت ولی واقعاً بد عاقبت، می گردد.

این مقاله با توجه به فلسفه و موازین فقهی و قانونی، درصدد اثبات وجود این توّهم و زیان بار بودن چنین اقداماتی است که - صرف نظر از جرم یا تخلّف انتظامی بودن- باعث ایجاد ضرر و مسؤولیّت مدنی می گردد و در نتیجه ضرورت جبران خسارات را ایجاب می کند.

---

[۱]- این مقاله هشداری است به استادان دانشکده های حقوق و استادان حوزه هایی که به جز حقوق دان و فقه خوان، حقوق بان مردم و عالم دینی تربیت می کنند و همچنین به دستگاه قضایی که یک مصاحبه ناروا می تواند حرام هایی را حلال یا حلال هایی را حرام سازد و جامعه را به آشوب بکشاند.

مقاله حاضر صرفاً پاسخ به سؤالی است که آیا دادسرا می تواند قبل از احراز جرم در دادگاه، به مدیران یک شرکت دستور دهد که برای استرداد وجوه مربوط به خرید سهام، با سهامداران توافق و در صورت عدم توافق اصل و سود بانکی پرداخت کنند و الّا زندانی می شوند؟ و بالاخره آثار صدور چنین دستورهایی چه خواهد بود؟

مقدمــه

هر اقدامی که بدون علم انجام شود، ضرر آن بیش از منافع حاصله اش خواهد بود. این که بزرگان دین فرموده اند، یک لحظه تفکّر با ارزش تر و بالاتر از عبادت هفتاد ساله است[۲]، سرشار از حکمت است. اگر کسی به موازین قانون و شرع آگاهی بسنده نداشته باشد و بخواهد از جرم جلوگیری کند، خسارت های زیادی به بار می آورد. خسارت ها زمانی گسترده تر می شود که شخص یا اشخاصی بی اطلاع از موازین شرعی و قانونی تصوّر می کنند که عین شرع و قانون را اجراء می کنند. خسارت این دسته از افراد بیشتر است.

گاهی واقعیت های بسیار تلخ در قالب طنز جلوه می کند که حَرَجی بر طراحان این طنزها نیست، بلکه در برخی موارد باعث هدایت گری و ارشاد مردم و مسؤولین می گردد.

اخیراً عده ای پیشنهاد کرده بودند که با توجه به این که خانم ها باید حجاب داشته باشند،[۳] بهتر است از طریق علمی از ارتکاب جرم بی حجابی پیش گیری شود، و چون ژنی در انسان وجود دارد که باعث تمایل انسان به برهنگی بدنی می گردد[۴]، لذا باید این ژن خنثی شود تا کشش به گناه برهنگی، یکسره از انسان ریشه کن و به جای پیش گیری از جرم، خاستگاه جرم نابود گردد![۵]

---

[۲]- تفکّر السّاعه خیرٌ من عبادةِ سبعین سنه.

[۳]- در این که حجاب چیست و حدّ آن کدام است از حداقل پوشیدن سینه و عورتین شروع می شود تا حداکثر پوشیه و شبه کارتن سازی زنان ادامه پیدا می کند.

[۴]- آیت الله العظمی طالقانی، سید محمود، در مصاحبه با روزنامه اطلاعات: «نه در زمان پیامبر اسلام نه در زمان ائمه چیزی به نام حجاب اجباری نبوده، این حکم اجبار یک حکم من درآوردی است که نه تنها عفاف و پاکی را در جامعه روا نخواهد داد بلکه موجب گسترش فساد و فحشاء در کل جامعه خواهد شد. در اصل دین اکراه و اجبار نیست، چه برسد به فروع آن. آن دین سر نیزه ای به قلب کسی راه نخواهد یافت. می ترسم روزی برسد که غارت بیت المال و فقر و فلاکت عادی شود و موضوع حساس جامعه بشود، دو تار موی زنی که زیر روسری است یا بیرون آن». (روزنامه اطلاعات، ۲۰ اسفند ۱۳۵۷) برخی حدود ۴۰ سال درس داده اند و همهٔ هم وغمشان همین مصیبت دو تار موست. به نظر می رسد کسانی که ادعا می کنند که این موضوع به عنوان سوپاپ اطمینان سایر جنایات است به خطا باشند، احتمالاً این موضوع بیشتر به علت جهل مقدس مرکب است تا برنامه ریزی.

[۵]- مصداق بارز آیه ۱۱۹ سوره نساء که می فرماید: «... فَلَیُغَیّرنَ خلق الله و من یتخّذ الشیطان ولّیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً». = (. . . خلقت خدا را تغییر دهند و هر کس شیطان را دوست دارد نه خدای را، سخت زیان کرده (زیانی) که آشکاراست)

این نگاه تیره و تار که به انسان و زندگی وی می شود، ضررهای فراوان به بار می آورد. مشکل، وجود تحصیل کردگان و دانشمندانی که این تلخی ها را بیان می کنند- اعم از این که راه حلی را ارائه کنند یا نکنند- نیست، مشکل در کسانی است که عقیده بر عدالت و انصاف و امر به معروفی دارند که نه شرایط آن را می دانند و نه حتی کتب مذهبی قدیم و جدید را (نظیر تورات، انجیل، قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه) خوانده اند، و یا اگر آن ها را خوانده باشند، مطلب درستی درک کرده باشند.

اقدامات این گونه افراد به نحوی است که گویا یافته های غیر عالمانهٔ آن ها، عین حقیقت است و شارع مقدس به آن امر فرموده است.[۶]

حق بازخواست از مسؤولین، جزء اولین حقوق انسانی است. هیچ کدام از مسؤولین کشور حق ندارد پا را فراتر از آنچه قانون به او اجازه داده است، بگذارد. مشهور است که خلیفهٔ دوم مسلمانان به مسجد درآمد در حالی که لباس او قدری بلندتر از دیگران بود. فردی از مردم عادی اعتراض کرد که جیره تو، از پارچه بیت المال، کمتر از این است که بتوانی جامه ای به این بلندی فراهم کنی، این قسمت زیادی را از کجا آورده ای؟ خلیفه پاسخ داد، این قسمت اضافی را از جیره پارچه پسرم گرفته ام. بدون این که اجازه تبانی به خلیفه داده شود، پسر او را خواستند. گفت من سهم خود را به پدرم داده ام. برای یقین از این موضوع، خیاط را آوردند که چند تکه پارچه به شما داده شده است، گفت دو تا، و خلیفه از این اتهام مبرّی شد و به سلامت بیرون آمد.

مسؤولین کارها، باید برای اقدامات زیان بار خودشان پاسخگو باشند. **اولاً** نباید خلاف قانون عمل کنند، اقدامات خلاف قانون تحت عنوان جلوگیری و پیش گیری از جرم ممنوع است. **ثانیاً،** امر به پرداخت اصل و ربا به سهامدار، بر خلاف موازین قانونی است. آمر این امر، به جای عمل حلال، امر به انجام حرامی کرده است که ربا را در جامعه

---

[۶]- مصداق این آیه از قرآن کریم که می فرماید: «و اُنّ منهم لفریقاً یلوون السنتهم بالکتاب لِتحسبوه من الکتاب و ما هو من الکتاب و یقولون هو مِن عند الله و ما هو مِن عند الله و یقولون علی الله الکذب و هم یعلمون». (آیه ۷۸ سوره آل عمران)= (همانا، برخی از اهل کتاب، زبان خود را (به قرائت کتاب (تحریف شده) تغییر و تبدیل می کنند تا آن را که پیش خود خوانده اند از کتاب (خدا) محسوب بدارید و هرگز آن (تحریف شده) از کتاب (خدا) نخواهد بود و گویند این آیات از جانب خدا نازل شده است در صورتی که از سوی خدا نیست و به خدا دروغ می بندند، با آن که می دانند).

اسلامی رواج می دهد.[۷] **ثالثاً**، باعث انهدام کارخانجات در کشور شده و ضرر و زیان کلان و غیر قابل اغماضی به بار می آورند که، صرف نظر از مسؤولیت کیفری و انتظامی، از باب ضمان قهری نیز برای آن مسؤول هستند.

تصوّر پیش گیری از وقوع جرم و جنایت

نیاز به پیش گیری از جرم، قدمتی به اندازه قدمت خلقت انسان دارد و قبل از این که شهرنشینی به وجود آید، این نیاز وجود داشته است و حتی در دوران جاهلیت، دیه عاقله برای این وضع شده بود که افراد قبیله از ورود ضرر توسط یکی از اعضای قبیله خود به قبیله دیگری جلوگیری کنند. البته نیاز به پیش گیری از جرم، در شهرنشینی ها گسترده تر شده است.

پیش گیری انواع مختلفی دارد. پیش گیری های غیر کیفری (اعم از پیش گیری های وضعی و اجتماعی) نیاز به شناسایی قواعد و اصول پیش گیری از جرم، نظارت صحیح، مشارکت مردم و غیره دارد.[۸] این امر برای جلوگیری از قتل، کشتار، تجاوز، از بین رفتن امنیّت مردم، تروریسم و مسائلی است که وقوع آن ها ضرر کلانی به جامعه وارد می کند.[۹] پیش گیری اصلاً مرتبط با سود و زیان یک یا چند نفر در معاملات تجاری نیست. این گونه پیش گیری ها در واقع کوبیدن سنگ بر مغز خفته ای است که پشه ای روی پیشانی او نشسته است. آنقدر این گونه دخالت های جرم زا خطرناک است که نه تنها جرم زدایی نمی کند، بلکه جرائم بسیار زیادی را پدید می آورد و منجر به جرم

---

[۷]- مقایسه با عملیات بانکی بدون ربا نشود. چون با فرض بعید قبول عدم ربا در معاملات بانکی، کسی که وجهی به بانک می سپارد بانک را وکیل خود در معاملات قرار می دهد. بانک حداقلی از سود را می دهد و تعهد می کند که اگر سود بیشتری هم بود تقدیم کند. این موضوع با باز خرید سهام، بسیار تفاوت دارد. خرید سهام، قرارداد لازم شراکت در معامله است. دخالت در حقوق خصوصی و معاملات افراد در حیطه صلاحیت دادسرا نیست.

[۸]- جهانتاب، محمد، داودی ابراهیم، «ارتقای مشارکت محلی در پیش گیری از جرم»، فصنامه مطالعات پیش گیری از جرم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۱، ص ۱۰۷ الی ۱۲۸. نیازپور، دکتر امیرحسین، «حق برخورداری از آموزش و پرورش از حقوق بشر تا پیش گیری از بزهکاری»، فصلنامه مطالعات پیش گیری از جرم، ۱۳۹۱، صص ۸۷ الی ۱۰۶

[۹]- نیازپور، دکتر امیرحسین، بزهکاری به عادت، از علت شناسی تا پیش گیری، تهران، ۱۳۸۷، چاپ نخست، انتشارات فکر سازان؛ نیازپور، دکتر امیرحسین، «پیش گیری از بزه کاری فرزندان زندانیان، با نگاهی به سیاست جنایی ایران، دایره المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۱، ص ۸۸۶؛ نیازپور، دکتر امیرحسین، گفتمان پیمان حقوق کودک، در زمینه پیش گیری از بزهکاری، پژوهش نامه حقوق کیفری، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۸۷ تا ۲۰۴»

زایی سیستماتیک می شود. این امر فقط جرم انگاری تجارت و به طور کلی، همه اعمال صالح انسان است.

جرم، که مردم از آن متفرند و در قوانین و مقررات تعریف شده است، معلول یک عامل نیست و عوامل متعدد دارد، روان و محیط اجتماعی نقش بسیار مهمی در همه جرائم دارند.[۱۰] برای پیش گیری از جرم باید همه عوامل را شناخت و راه مقابله با آن را نیز به نحوی تنظیم کرد که پیش گیری از جرم، خود در زمره جنایات در نیاید. حال اگر به اسم پیش گیری از جرم، به انهدام مقررات مطلوب دینی و مردم جامعه و تجارت و معاملات اقدام گردد، این دیگر پیش گیری از جرم شمرده نمی شود، بلکه خودش در شمار جنحه یا جنایت است.

لازمه پیش گیری از جرم، دانستن علم جرم شناسی، چیستی و تحولات آن است. تا روش های تحقیق در جرم شناسی (کمّی و کیفی) و عوامل نقش آفرین در بزهکاری (عوامل فردی، محیطی و وضعی بزهکار) بررسی نشود، ادعای پیش گیری از جرم، از سوی کسانی که علم پیش گیری ندارند، یا بدتر از آن، اطلاع ناقصی از پیش گیری دارند، به جای جلوگیری از جرم، بازگرداندن بشر به دوران قدیم است.

پیش گیری از جرم محصول پُست مدرنیزم است، عمل کردن بد یا ناقص انسان ها، جوامع را در معرض خطر قرار می دهد، این نوع پیش گیری مثل حمله های انتحاری است برای این که انتحارکننده به تمایلات مورد نظر خود برسد.

حقوق کیفری، خود از قهرآمیزترین شاخه های حقوق است که به شکل سنتی، با رویکردی یک سویه، به پدیده بزهکاری پاسخ می دهد.[۱۱]

---

[۱۰]- ر.ک. برای مثال: محمودی، عباسعلی، پیش گیری و ریشه یابی جرم در اسلام، مؤسسه انتشارات بعثت،۱۳۶۱، تهران، چاپ اول. حاجی ده آبادی، جرم شناسی، دانشنامه امام علی، ص ۲۲۵ به بعد، ابراهیمی، شهرام، جرم شناسی پیش گیری، جلد نخست، چاپ نخست، انتشارات میزان، ۱۳۹۰، نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، پیش گیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۳، نیازپور، دکتر امیرحسین، حقوق پیش گیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری شماره ۴۸ و ۴۹.

[۱۱]- نیازپور، دکتر امیرحسین، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده، مجله تخصصی آموزه های حقوق کیفری، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ششمین دوره جدید شماره یک ص ۴۹؛ نیازپور، دکتر امیرحسین، توافقی شدن آئین دادرسی کیفری، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹ شمسی.

اکنون در جوامع پیشرفته، بحث «راهبرد قراردادی شدن حقوق کیفری»مطرح است. امّا مطلوب نیست که با نام پیش گیری از جرم، بدترین بزه کاری ها به قهرآمیزترین شاخه حاکم شود. این امر ثمره بی نهایت تلخی را برای جامعه ایرانی رقم خواهد زد. تلاش برای پیش گیری از این گونه اقدامات ناروا، به عنوان امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه هر ایرانی بلکه هر انسان است.

اقدامات پیش گیرانه ای که منجر به ارتکاب جرم می شود

گاهی مسوؤلین به جای پیش گیری از جرم، خود مرتکب جرائم بسیار سنگینی می شوند. صرف نظر از نهادهای سیاسی، برخی نهادهای قضائی، نظیر دادسراها[۱۲]، نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در یک پرونده سهام شرکت سهامی خاص، بدون این که تبلیغی شده باشد و صرفاً با توجه به تمایل مردم و فقط و فقط برای سود بیشتر خریداری می شوند. بانک ها که احساس خطر می کنند، به مسؤولین ردهٔ بالا اطلاع می دهند که اگر وضع بدین منوال باشد دیگر کسی وجوه خود را در بانک نخواهد سپرد. بالاترین مسؤول دادسراهای کشور صرفاً دستور تحقیق در این مورد صادر می کند. بلافاصله دادسرای محل با شمشیر عدالت خود وارد می شود. البته با توجه به باور و عقیدهٔ جلوگیری و پیش گیری از وقوع جرم، این اقدام صورت می پذیرد. تمام وجوه واریزی به حساب شرکت توقیف می شود تا هیچ کار تجاری و معامله ای صورت نپذیرد و با این اقدام خود، شرایط نقض همه قراردادها فراهم می آید یا عملاً تمام قراردادهای تجاری شرکت را عقیم می کند. برای مثال، در پروندهٔ مورد نظر، قبل از این که کوچکترین شکایتی صورت گرفته و یا کوچکترین اعتراضی وجود داشته باشد (صرف نظر از دلواپسی بانک ها و ...) وجوه سهام خریداری شده که سرمایه شرکت برای کارهای تجاری است در یک حساب جاری بدون سود توقیف می شود. در این باره، به دستور پلیس به بانک هایی که ثمن مبیع در آن ها سپرده شده بود، توجه فرمایید:

---

[۱۲]- تصوّر مخالفت با نهاد دادسرا نشود. در سالهای گذشته، یکی از مسؤولان قضائی، دادسرا را از نظام قضایی کشورمان حذف کرد تا دستگاه قضائی را منطبق با موازین اسلامی کند و آن را از افتخارات خود می دانست. سال های بعد، یکی دیگر از گردانندگان دستگاه قضائی، دادسرا را به دستاویز این که ضرورت شرعی است احیا کرد. جالب تر این که رئیس دادگستری یک شهر خاص، هم از اولی برای حذف دادسرا جایزه گرفت و هم از گردانندهٔ دومی برای احیای آن!! فاعتبروا یا اولی الابصار!

«به دستور بازپرس محترم شعبه ..... مجتمع قضائی شهید .....
(تصویر پیوست) خواهشمند است فعلاً تا اطلاع ثانوی کلیه حسابهای شرکت فوق الذکر مسدود و از هر گونه نقل و انتقال وجه جلوگیری و بهره را به پلیس اعلام فرمایید».

آیا توقیف حساب ها برای انهدام معاملات جاری شرکت، مقابله با جرم احتمالی و پیش گیری شمرده می شود؟ از آن بدتر، آیا دستورهای بعدی برای پرداخت سود به پول های توقیف شده و معاملات منهدم گردیده، خود فی نفسه جرم است یا پیش گیری از جرم؟

هنگامی که وجهی توقیف شده باشد، چه سودی برای شرکت حاصل می شود؟ و آنگاه که شرکت نتواند اقساط دیگر معاملات خود را که تعهد کرده است، پرداخت کند و مجبور به نقض سایر قراردادها شود یا با پرداخت وجه التزام و وجه الخساره بسیار کلان مواجه گردد، چه سودی به آن شرکت می رسد که بین سهامداران تقسیم کند؟

مگر پرداخت سود به سهامدار تابع دستور دادسراست؟ مگر قوانین منظم و مفصلی به نام قانون تجارت و قانون مدنی و در ورای آن ها، مقررات فقهی گسترده، حداقل در این مورد، وجود ندارد؟ مگر دادسرا می تواند همه قوانین را نادیده بگیرد و به جای دادگاه بدوی و تجدیدنظر حکم صادر کند و خودش هم اجرا کند. کدام بی قانونی می تواند بزرگتر از این صورت پذیرد که یک شخص که ۵۰۰ میلیون تومان سهام خریداری کرده است بدون مشارکت در سود و زیان، در ظرف کمتر از سه ماه ۹۰۰ میلیون تومان از شرکت مطالبه و با کمک دادسرا آن را دریافت و با این رباخواری گسترده شرکت را تخریب و زمینه انهدام تولید را فراهم کند؟

بررسی دستور دادسرا از نظر اخلاق اسلامی

از نظر قرآنی، دستور دادسرا، در مورد توقیف اموال و نحوه اقدام آن با هیچ کدام از موازین سازگاری ندارد. این دستور نه تنها اقدام قانونی و شرعی برخی از اعضاء شرکت در فروش سهام خود را تبدیل به جرم می کند، بلکه خطری را که اصلاً احتمال آن وجود نداشت و یا آنقدر ضعیف بود که به حساب نمی آمد (ضرر در معاملات تجاری) به

خطری عظیم مبدّل می سازد. نحوه ورود به این اقدام کاملاً مغایر موازین امر به معروف است، حتی اگر قائل شویم که امر به منکر (پرداخت ربا) صورت نگرفته باشد.

در نگاه اولیه هیچ یک از دستورهای قرآنی در برخورد با دیگران رفتار نشده است. به نظر می رسد دستور صادرۀ دادسرا اقدامی آگاهانه نبوده است و الّا فقط فروختن آخرت به دنیای دیگران است[۱۳] برخوردهای انجام شده با آیۀ لاتقف ما لیس لک به علم[۱۴] در تضاد است. مصاحبه ها نیز با گفتار نرم و انعطاف پذیری همراه نیست و مغایر با «قولاً لیناً»[۱۵]یی می باشد که در قرآن آمده است. در این اقدام عدالتی هم ملاحظه نمی شود؛ (فاذا قلتم فاعدلوا)[۱۶] و نه می تواند با توجه به بی پشتوانه بودن آن قول محکم و ریشه داری (قولاً سدیداً)[۱۷] شمرده شود و نه گفتار ساده و قابل عملی است (قولاً میسوراً)[۱۸]، نه بیان و گفتار بلیغ و رسا و مفیدی است (قولاً بلیغاً)[۱۹] و نه قول نیک حسنی است (قولوا للناس حسناً)[۲۰]، نه بهترین کلام است (و قولوا لهم قولاً معروفاً)[۲۱] و نه گفتار مهرآمیزی است (قولاً کریماً)[۲۲] و نه در نهایت اگر جامعه را تخریب نکند آن را به سوی زندگی طیبه و پاک هدایت می کند (و هدوا الی الطیّب من القول).[۲۳] به نظر می رسد این اقدام دادسرا که از نظر قرآنی غیر اخلاقی می نماید، باعث انهدام تجارت و معاملات تجاری نیز می گردد و از نظرهای دیگر هم مغایر با موازین قرآنی در خصوص معاملات و رضایت طرفین است.

---

[۱۳]- در حدیث است که شرّ الناس من باع آخرته بدنیاه و شرّ منه من باع آخرته لدنیا غیره. می خواهیم دنیای دیگران را درست کنیم به قیمت آتش زدن به همۀ آخرتمان. نعوذ بالله من شرور انفسنا.

[۱۴]- سوره اسری آیه ۳۶.

[۱۵]- سوره طه آیه ۴۴.

[۱۶]- سوره انعام آیه ۲۵۲.

[۱۷]- سوره احزاب آیه ۷۰.

[۱۸]- سوره اسری آیه ۲۸.

[۱۹]- سوره نساء آیه ۶۳.

[۲۰]- سوره بقره آیه ۸۳.

[۲۱]- سوره بقره آیه ۲۳۵

[۲۲]- سوره اسری آیه ۲۸.

[۲۳]- سوره حج آیه ۲۴.

ارزش قضایی دستور استرداد وجه سهام با سود بانکی!

آیا اگر دادسرا بدون دادرسی دادگاه و صدور حکم، مقدمتاً به مدیران شرکت دستور دهد که وجوه پرداختی برای خرید سهام به اضافه سود به سهامداران پرداخت شود، اقدامی قانونی انجام داده است؟ شایسته است این موضوع از نظر قانونی و شرعی مورد بررسی قرار گیرد. در نامه دادسرا که ظاهراً برای جلوگیری از وقوع جرم می باشد، چنین آمده است:

> «پیرو کلاسه بایگانی ... با عنایت به مراجعه مردم و **تقاضای استرداد وجه سهام**، ابتدا با توافق طرفین (شرکت و سهامداران) وجوه واریزی به حساب، مسترد و در صورت عدم توافق بر مبنای سود بانکی (نامه پیوست) مسترد و نتیجه اعلام شود».

در نامه پیوست هم سود بانکی از ۱۰ درصد شروع شده و تا بیش از ۲۱ درصد ادامه می یابد.[۲۴]

اگر جرمی صورت گرفته باشد، دادسرا باید رسیدگی و پرونده را با صدور کیفرخواست (یا جلب به دادرسی) به دادگاه ارسال کند. حکم دادگاه که در دادگاه تجدید نظر تأیید می شود، قاطع دعوی خواهد بود. در صورت صدور حکم، استرداد وجه سهام و خسارات وارده قانونی و شرعی است. امّا اگر کسی بدون کار و تجارت و بدون رضایت و یا با کمال عدم رضایت و با اجبار و اکراه، مجبور شود برای پولی که از آن استفاده نکرده و به دستور آمر و دستور دهنده قانونی هم (خواه درست یا نادرست) توقیف شده و معاملات وی نیز مسدود گردیده، بیش از آنچه گرفته است پرداخت کند، مسأله بسیار تأمل برانگیز است!

---

[۲۴]- نرخ بهره بازپرداخت وام در بلاد کفر و کشور های اسلامی. –ژاپن ۰.۱٪ - سوئد۰.۲۵٪ - بریتانیا- امریکا- هنگ کنگ۰.۵۰٪ - اتحادیه اروپا۱٪ - نروژ- تایوان- دانمارک ۱.۲۵٪ - عمان ۱/۹۸٪ - تایلند۲٪ - سوئیس ۲.۰۵٪ - عربستان ۲.۵۰٪ - کره جنوبی ۳٪ - چین ۳.۰۶٪- اسرائیل ۳.۲۵٪ - ساحل عاج- مالی- نیجر- گینه بیسائو- توگو- بورکینافاسو ۴.۲۵٪ - آفریقای مرکزی- چاد ۵.۲۵٪ - روسیه ۸.۷۵٪ -مصر۹٪ - عراق- پاکستان ۱۵٪ و اما در ایران ۲۸٪ حداقل و حداکثری هم وجود ندارد اما میانگین گرفته شده ۲۷ درصد سود است. در اسلام سود و بهره و ربا غیرشرعی و جنگ با خدا اعلام شده اما خود با توجه به امکانات کشورهای افریقایی بدبخت که نه نفت دارند نه گاز دارند و نه ادعا قضاوت کنید.

دادسرا، با امر غیر قانونی، یعنی دستور به بازخرید سهام بر خلاف قانون تجارت (که کاملاً و دقیقاً روابط سهامداران و هیئت مدیره و مدیرعامل و غیره را به نحوی که تردیدی در آن حاصل نمی شود معین کرده است)، دستور پرداخت سود به وجوه توقیف شده و معاملات منهدم گردیده، صادر کرده است و به عنوان ضمانت اجرا تهدید کرده است که در صورت عدم اجرای دستور مدیرعامل (یا رئیس هیئت مدیره) با قرار مجرمیت به زندان گسیل می شوند.[۲۵] این اقدام یکسره غیر قانونی است و هیچ دفاعی ندارد.

مشاورین حقوقی به متهم بی گناه، توصیه کردند که هرگز سهام را بازخرید نکنید، بلکه اجازه دهید تا قانون اجرا شود، هر چند ظالمانه باعث زندانی شدن شما گردد. به هر حال، متهم بی گناه خود را بر سر دو راهی می بیند که اگر آزاد باشد دست کم می تواند راه حلّی را پیدا کند که شاید با تحمّل ضرر مادی بتواند از مهلکه بگریزد، ولی اگر به زندان برود، می شود آنچه که نباید بشود.

درباره حُرمت ربا و ماهیت سود سهام شرکت ها

از دیدگاه حقوقدانان و تلاش گران فقهی، پرداخت دین، حتی از غسل برای نماز هم واجب تر است. طلب و حق ثابت شرعی به وسیله جهل صاحب حق نیز از بین نمی رود و مرور زمان در آن بی تأثیر و تأخیر در پرداخت، حرام و معصیت است. پرداخت سود در شرکت ها که ناشی از معاملات و تجارت با تراضی است از حلال ترین درآمدهای روز شمرده می شود.

در شرکت های سهامی، اعم از عام و خاص، سهامدار حق ندارد به هیئت مدیره مراجعه و وجه سهام خود را مطالبه کند. او در سود و زیان شریک است. حتی دادگاه (تا چه رسد به دادسرا) حق ندارد، مدیران شرکت را ملزم به پرداخت وجه سهام کند و یا برای آن سودی قرار دهد، قانون تجارت حکم این قضیه را مو به مو روشن کرده است.

دادسرا تحت هیچ شرایطی حق دستور استرداد وجه سهام را ندارد، حتی اگر صد در صد محرز باشد که جرمی اتفاق افتاده است. در غیر معاملات نیز، کسی که طلبکار

---

[۲۵]- سوره یوسف، آیه ۳۲، و لان لم یفعل ما آمره لیسجنّن و لیکوناً من الصاغرین (= ... و اگر دستورات مرا نپذیرد، زندانی شود و خوار و سرافکنده گردد).

است، نمی تواند مازاد بر طلب خود مطالبه کند. اگر او حتی یک ریال هم بیشتر مطالبه کند یا به زور از بدهکار گرفته شود، مشمول حدیث صحیح «درهم رباً اشدُ من سبعین زنیهَ کلها بذات محرم» است. یعنی یک درهم ربا از هفتاد بار زنا آن هم با محرم بدتر است، گاهی عنوان شده که از زنای در مسجد الحرام هم بدتر است.

قرض ربوی استهلاکی، به اجماع همه مسلمانان و همه مذاهب اسلامی حرام است. در قرض استنتاجی یا قرض برای انجام معاملات با تراضی و با رعایت شرایط ویژه، به نظر برخی از تلاش گران فقهی ربا شمرده نمی شود. در این حالت، پرداخت وجه برای تجارت است و چنانچه سودی حاصل گردد، پرداخت این سود ربا به حساب نمی آید. هنگامی که تعدادی افراد با تراضی سهامی را خریداری می کنند، قواعد و مقررات معاملات بر آن حاکم است. اگر دستور قرآن مراعات نشود و کسی دستور دهد که اصل و سود به سهامدار داده شود، این اقدام از مصادیق بارز رباست که نمی توان هیچ تردیدی در آن وارد کرد.

در قرآن آیات زیادی در مذّمت ربا آورده شده است.

فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذينَ هادُوا حَرَّمْنا عَلَيْهِمْ طَيِّباتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ كَثيراً * وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَوا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَكْلِهِمْ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ أَعْتَدْنا لِلْكافِرينَ مِنْهُمْ عَذاباً أَليماً[۲۶]

(۱۶۰) پس به بادافره ظلمی که یهود کردند و مردم را از راه خدا بازداشتند، ما نعمت های پاکیزه ای را که بر آنها حلال بودیم حرام گردانیدیم.

(۱۶۱) و هم بدین جهت که ربا می گرفتند، در صورتی که از ربا خوردن نهی شده بودند و هم از آن رو که اموال مردم را به باطل می خوردند و ما برای کافران آنها عذابی دردناک آماده کردیم.

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَأْكُلُوا الرِّبَوا أَضْعافاً مُضاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ،[۲۷]

ای گروندگان سود چند برابر نخورید، از خدا بترسید باشد که رستگار شوید.

الَّذينَ يَأْكُلُونَ الرِّبا لا يَقُومُونَ إِلاَّ كَما يَقُومُ الَّذي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ قالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهى فَلَهُ ما سَلَفَ وَ أَمْرُهُ

---

[۲۶]- سوره نساء، آیات ۱۶۰و۱۶۱.

[۲۷]- سوره آل عمران، آیه ۱۳۰.

إِلَي اللَّهِ وَ مَنْ عادَ فَأُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فيها خالِدُونَ*يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ يُرْبِي الصَّدَقاتِ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ کُلَّ کَفَّارٍ أَثيمٍ*إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ*يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِيَ مِنَ الرِّبا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنينَ*فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُؤُسُ أَمْوالِکُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ*۲۸

(۲۷۵) آن کسانی که ربا خورند (از قبر در قیامت) برنخیزند جز به مانند آن که به وسوسه شیطان مخبّط و دیوانه شده است. آنان بدین سبب در این عمل زشت افتند که گویند فرقی بین تجارت و ربا نیست، حال آنکه خدا تجارت را حلال و ربا را حرام کرده است. پس هر کس که اندرز (کتاب) خدا بدو رسد و از این عمل دست کشد خدا از گذشته او در گذرد و عاقبت کارش با خدا باشد، و کسانی که دست نکشند اهل جهنّمند و در آن جاویدانه معذّب خواهند بود.

(۲۷۶) خدا سود ربا را نابود گرداند و صدقات را افزونی بخشد، و خدا مردم بی ایمان گنه پیشه را دوست ندارد.

(۲۷۷) آنان که اهل ایمان و نیکوکارند و نماز به پا دارند و زکات بدهند، آنان را نزد پروردگارشان پاداش نیکو خواهد بود و هرگز ترس (از آینده) و اندوه (از گذشته) نخواهند داشت.

(۲۷۸) ای کسانی که ایمان آورده اید ، از خدا بترسید و زیادی ربا را رها کنید اگر به راستی اهل ایمانید.

(۲۷۹) پس اگر ترک ربا نکردید آگاه باشید که به جنگ خدا و رسول او برخاسته اید. و اگر از این کار پشیمان گشتید اصل مال شما برای شماست ، که در این صورت به کسی ستم نکرده اید و از کسی ستم نکشیده اید.

شاید بتوان ادعا کرد که کمتر گناهی در قرآن به اندازه ربا مذمّت شده است. حال چگونه دادسرا به خود اجازه می دهد که دستور پرداخت ربا صادر کند و تأکید کند و در روزنامه ها بنویسد که اگر دستور ما اجرا نشود، متخلف با تشدید قرار زندانی می

---

[۲۸]- سوره بقره، آیات ۲۷۵ الی ۲۷۹.

شود. شاید اگر این امر در یک جامعه سکولار صورت می گرفت، این همه زشتی و ناروایی را نداشت.

از قرآن کریم که بگذریم در کلام پیامبر گرامی اسلام و ائمه هدی (ع) نیز از این امر ناروا منع شدید شده است. به برخی از این روایات توجه فرمائید:

پیامبر (ص) در سفارشی به علی (ع) می فرماید: **یا علی! الرّبا سبعون جزءً فأیسرها مثل أن ینکح الرجل أُمه فی بیت الله الحرام.**[۲۹] (= ای علی! ربا، هفتاد جزء دارد که آسان ترین آن، مانند آن است که مرد با مادرش در خانهٔ خدا زنا کند).

امام صادق (ع) می فرماید: **درهم واحد من ربا أعظم من عشرین زنیّة کلّها بذات محرم.**[۳۰] (= یک درهم ربا، بدتر از بیست مرتبه زنا با محارم است). همچنین فرمود: **درهم ربا أشدّ عند الله من ثلاثین زنیّة کلّها بذات محرم مثل عمة و خالة.**[۳۱] (=یک درهم ربا، نزد خداوند، بدتر از سی مرتبه زنا با محارم، مانند عمّه و خاله است).

باز از امام صادق (ع) نقل است که فرمود: **الربا سبعون باباً أهونها عند الله کالذی ینکح أُمه.**[۳۲] (=ربا، هفتاد گونه (کیفر) دارد و آسان ترین آن نزد خداوند، مانند کسی است که با مادرش زنا کند).

روایات دیگری نیز از امام صادق (ع) نقل شده است که: **درهم ربا عند الله أشد من سبعین زنیّة کلّها بذات محرم.**[۳۳] (=یک درهم ربا، نزد خداوند، از هفتاد مرتبه زنا با محرم بدتر است). همچنین فرمود: **درهم ربا أعظم عند الله من سبعین زنیّة کلّها بذات محرم فی بین الله الحرام.**[۳۴] (=یک درهم ربا، از هفتاد مرتبه زنا با محارم در خانهٔ خدا

---

[۲۹]- وسائل الشیعة، جلد ۱۲، ص ٤٢٦ (ح ۱۲).

[۳۰]- وسائل الشیعة، جلد ۱۲، ص ٤٢٤ (ح ٦).

[۳۱]- من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۷٤.

[۳۲]- وسائل الشیعة، جلد ۱۲، ص ٤٢٧ (ح ۱۸).

[۳۳]- من لایحضره الفقیه، ج۳، ص ۱۷٤.

[۳٤]- وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ٤٢٧ (ح ۱۹).

بدتر است.[۳۵]) حضرت همچنین فرمود: **إذا أراد الله بقومٍ هلاکاَ ظهر فیهم الربا.**[۳۶] (=هرگاه خداوند، نابودی گروهی را اراده کند، رباخواری در میان آنان آشکار می شود).

امام باقر (ع) فرمود: **أخبث المکاسب، کسب الرّبا.**[۳۷] (=زشت ترینِ داد و ستدها، داد و ستد آمیخته به رباست).

پیامبر خدا، محمد مصطفی (ص) فرمود: **شرّ المکاسب، کسب الرّبا.**[۳۸] (=بدترین داد و ستدها، داد و ستد آمیخته به رباست).

باز از پیامبر خدا رسیده است که فرمود: **و مَن أکل الرّبا ملأ الله بطنه من نار جهنّم بقدر ما أکل، و إن اکتسب (منه) مالاً لم یقبل الله منه شیئاً من عمله و لم یزل فی لعنة الله و الملائکة ما کان عنده قیراط.**[۳۹] (=هر کس ربا بخورد، خداوند، شکمش را از آتش جهنم به اندازه ربایی که خورده است پُر می سازد و اگر از راه ربا درآمدی به دست آورد، خداوند، عملش را نمی پذیرد و تا زمانی که اندکی از مال ربا نزد او باشد، همواره در نفرین خدا و فرشتگان الهی خواهد بود).

امّا به نظر می رسد در پرونده حاضر که وجوه اخذ شده، توسط دادسرا توقیف شده و معاملات انجام شده دیگر در نتیجه توقیف این وجوه نقض گردیده یا حداقل عقیم شده است و نه تنها از پول منفعتی حاصل نشده، بلکه ضررهای زیادی هم وارد شده است، دستور به پرداخت سود[۴۰]، دستور به پرداخت ربایی است که پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه علیهم السلام حرام اعلام فرموده اند.[۴۱] این اقدام حتی اگر در جامعه سکولار هم

---

[۳۵]- گفته شده است که اختلاف در کیفرها و زشتی عمل ربا در روایات، می تواند به جهت اختلاف زمان ها و مکان ها و نیز افراد و شرایط باشد.

[۳۶]- وسائل الشیعة، جلد ۱۲، ص ٤۲۷ (ح ۱۷).

[۳۷]- وسائل الشیعة، جلد ۱۲، ص ٤۲۳ (ح ۲).

[۳۸]- وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ٤۲۷ (ح۱۳).

[۳۹]- وسائل الشیعة، جلد ۱۲، ص ٤۲۷ (ح ۱۵).

[۴۰]- آن هم، به کسی که سهامدار است و در سود و زیان شریک است و حق مطالبه یک طرفه و نقض قرارداد منعقده ی خریدار سهام را ندارد.

[۴۱]- برای مطالعه احادیث بیشتر مراجعه شود به ارشاد القلوب، جلد ۱، ص ۱۷۵، تفسیر جامع جلد ۱، ص ۳۹۳. نهج الفصاحه، حدیث ۲۲۶۴ و ۲۲۶۵ و حدیث ۲۶۰۷ و ۲۲۳۱، مستدرک الوسائل، کتاب تجارت، باب یک، ص ۴۷۸، خصال شیخ صدوق، جلد ۲، ص ۷۰۵،، سفینهٔ النجاه، جلد ۱، ص ۵۰۷، امالی شیخ صدوق، ص ۳۴۶، نور الثقلین،

اعمال می شد ناپسند بود، چه رسد به این که در جامعه ای اعمال شود که ادعای اجرای قوانین اسلامی را دارد!

بررسی فقهی تصمیم قضایی دادسرا و مخالفت آن با شرع مقدس اسلام

در این که این تصمیم قضایی و تبلیغات حاشیه ای آن باعث ضررهای کلان و غیر قابل وصف شده است تردیدی نیست. در این که آبروی مؤمنان برده شده است نیز شکی وجود ندارد. هر چند در این که اعتبار کل کشور و حکومت هم با این اقدام زیر سؤال رفته باشد اِن قلت وجود دارد، ولی در بدبینی مردم، به ویژه نسبت به اداره حکومت، کمتر می توان تردید کرد.

به نظر می رسد تصمیم قضایی دادسرا در مورد توقیف وجوه و سرمایه شرکت با قرآن، سنت، اجماع و عقل و ضروریات دین اسلام مغایر باشد. دلایل آن به شرح ذیل است:

الف: این تصمیم قضایی دادسرا مخالف با آیات شریف قرآن کریم است.

در قرآن کریم آمده است که «**اوفوا بالعقود**».[۴۲] تصمیم قضایی در عمل می گوید نباید اوفوا بالعقود کنید. آن عقدی را که بسته اید نقض کنید و معامله را به هم بزنید. دلیل شرعی برای این اقدام وجود ندارد. با کدام دلیل معامله حلال، حرام شده و اوفوا بالعقود منع گردیده است؟

قرآن کریم می فرماید: **احّل الله البیع**،[۴۳] ثمره تصمیم قضایی این است که بیع سهام به پول انجام ندهید. بیع حرام است! چرا بیع حرام شده است؟

قرآن می فرماید: **و حرّم الربا**،[۴۴] مفهوم تصمیم قضایی این است که بیع و خرید و فروش و معامله ای برای کار و تجارت حرام است. حرام خدا را نمی توان، حتی با حیل قانونی،

جلد اول، ص ۲۹۵، حدیث ۱۱۷۷، بحارالانوار، جلد ۱۰۳، ص ۵۴، حدیث ۲۶، ص ۱۱۷، حدیث ۱۶، ص ۱۲۰، حدیث ۳۰ و جلد ۷۷، ص ۵۸. در جلد سیزدهم وسائل الشیعهٔ، ص ۱۰۸، حدیث ۷، علی بن جعفر از امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که از برادرم در مورد مردمی که صد درهم قرض به دیگری داده به این شرط که ۵ درهم یا کمتر یا بیشتر به او بدهد پرسیدم. فرمود: این عمل ربای محض است.

[۴۲]- به عقود و قراردادها وفا کنید.

[۴۳]- خداوند بیع را حلال فرموده است.

[۴۴]- خداوند ربا را حرام فرموده است.

حلال کرد. حتی اگر گذاشتن پول در بانک و اخذ سود را با حیله های قانونی حرام به شمار نیاوریم.

قرآن به عنوان استثناءِ می‌فرماید : **لاتأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الّا..** ،[۴۵] **تصمیم قضایی مقرر می‌دارد : استثنایی نداریم! ولی چرا خلاف قرآن عمل شود؟ غافل از این که معامله‌ای که شرعاً واقع شده است قابل فسخ نیست چه رسد که یک شخص ثالث و خارج از قرارداد با استفاده از موقعیت خود، فروشنده را اجبار به عدم اجراء و فسخ آن کند.**

قرآن می فرماید الّا ان تکون تجارةً عن تراض منکم،[۴۶] **و تصمیم قضایی تجارت با تراضی را حرام و باطل می داند. مگر طبق قانون نباید قرآن و قوانین اسلامی بر کشور حاکم باشد؟**

ب: تصمیم قضایی دادسرا مغایر با احادیث پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) است.

وفق اصول قانون اساسی و مواد قوانین عادی در ایران باید به سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه هدی (ع) عمل شود. آیا در دستورات دادسرا به چنین ضرورتی عمل شده است؟

احادیث و سنت سلف صالح می گویند: **النّاس مسلّطون علی اموالهم،**[۴۷] تصمیم قضایی در عمل می گوید: نه! مردم بر اموال خود مسلط نیستید. ما برای آن ها تصمیم می گیریم!! آیا می توان مردم را از معامله با اموال و دارایی های خودشان منع کرد؟ اگر دادگاه ولو به غلط هم تصمیم می گرفت قابل تحمّل بود ولی اقدام دادسرا قابل تأمّل است.

---

[۴۵]- اموال را به باطل نخورید مگر در مواردی که...

[۴۶]- مگر در مواردی که با رضایت طرفین معامله ای بین خود انجام می دهند.

[۴۷]- مردم بر اموال خود مسلط هستند (یعنی هر نقل و انتقالی که بخواهند می توانند نسبت به اموال خود انجام بدهند).

حدیث می فرماید: **المؤمنون عند شروطهم**،[۴۸] تصمیم قضایی در عمل می‌گوید: شرکت فروشنده و مردم نباید به تعهدی که کرده اند عمل کنند. آیا قراردادهای مردم نباید اجرا شود و آنها نباید وفای به شرط کنند؟

حدیث مقرر می دارد: **ان الدّین، دینُ الانصاف و العدل و الحُسن**،[۴۹] تصمیم قضایی عملا می‌گوید: انصاف چیست؟ پیش گیری از جرم می‌کنیم!!

از مشهور احادیث اسلامی است که: **لاضرر و لاضرار فی الاسلام**،[۵۰] مفهوم تصمیم قضایی در عمل این است که: ضرر هر چه بیشتر وارد شود، برای ما منع قانونی ندارد و ملزم به جبران آن هم نیستیم!!

در حدیث است که : **انّما یحلّل الکلام و یحرّم الکلام**[۵۱]

مفهوم تصمیم قضایی در عمل این می‌شود که : عقد یعنی چه؟ تعهد یعنی چه؟ صیغه عقد دیگر چه شکلی است!

رویه ائمه علیهم‌السلام مقرر می‌دارد: **البیّعان بالخیار ما لم یفترقا**[۵۲] و بعد از آن خیاری ندارند: مفهوم تصمیم قضایی این است: حالا که قرارداد محکم و غیرقابل فسخ منعقد شده است من علی رغم این که در شرع حق فسخی وجود ندارد، قرارداد شما را فسخ می کنم و علاوه بر این شما پول مردمی را که من بلوکه کرده ام و آن را بی ثمر و بی فایده نموده ام با سود ناعادلانه بانکی برگردانید.! آیا چنین اقدام ناروایی قانونی است؟ کیف تحکمون؟

حدیث می فرماید: **من اتلف مال الغیر فهو له ضامن**،[۵۳] تصمیم قضایی مقرر می دارد که من ضامن تلف مستقیم یا غیرمستقیم اموال و سهام و غیره نیستم، و ضامن مضّرات تصمیم های خود هم نیستم. راستی آیا ما مأمور به ایراد ضرر هستیم!!

---

[۴۸]- مومنان در گرو تعهدات و شروط قراردادی خود هستند و به آن عمل می کنند.

[۴۹]- دین اسلام دین انصاف و عدالت و نیکی است.

[۵۰]- در اسلام ضرر و زیان نیست. ورود ضرر به دیگران جایز نیست و باید جبران شود.

[۵۱]- کلام (عقد) باعث حلّیت یا حرمت می شود.

[۵۲]- خریدار و فروشنده مادامی که از هم جدا نشده اند حق فسخ دارند (بعد از آن حق فسخ ندارند).

[۵۳]- هرکس صدمه به دارایی دیگران بزند ضامن جبران آن است.

حدیث می گوید: **المسلم اعظم حرمة من حرمة کعبه**[۵۴] و همچنین می فرماید **حرمة المومن اعظم عند الله تعالی من حرمة الکعبه**[۵۵] آبروی مؤمن به مراتب از حرمت کعبه بالاتر است جان و مال و آبرویش در امان است. به نظر می رسد تصمیم قضایی این را درعمل نادیده می‌گیرد.

حدیث رسول الله (ص) مقرر می دارد: **حرمة مال المومن کحرمة دمهِ**[۵۶] و همچنین **کل المسلم علی المسلم حرام دمهُ و مالهُ و عرضهُ**[۵۷]. تصمیم قضایی می گوید: حرمت یعنی چه؟ راستی از کی حرمتی باقی نمانده است؟

پ: این تصمیم به اصطلاح پیش گیرانه مغایر با اجماع فقها ست.

اجماع تلاش گران فقهی ورود ضرر به مردم را جایز نمی شمارد، اجماع فقها عمل به خلاف قرآن و احادیث را جایز نمی داند. اجماع فقها رعایت ضروری دین را لازم می داند و برای مخالف آن مجازات سخت قائل است، امّا، این تصمیم قضایی دادسرا نه تنها مغایر با نظرات فقها و مخالف اجماع است، بلکه با عقل سلیم مردم عادی هم در تضّاد است.

ت: تصمیم قضایی دادسرا مغایر عقل سلیم و رفتار عقلاء می باشد.

در کدام کشور جهان چنین دستورهای ناروائی صادر می شود و برای تجارت انجام نشده و معامله صورت نگرفته و برای سهامی که سود ایجاد نکرده است، سود تضمینی آن هم به مبلغ سودهای تورمی بانک ها در نظر گرفته می شود. در کدام مذهب گفته می شود برای پول های توقیف شده که بهره ای از آن برده نشده و برای ضربه ای که به قراردادها و تجارت شما توسط دادسرا وارد شده است، سود تضمین شده، تا حدود ۳۰٪ پرداخت شود؟ در کشورهای اروپایی متوسط سود نیم درصد است. چرا در ایران برای رنج نبرده و کار انجام نشده، باید این ربای کلان پرداخته شود؟

---

[۵۴]- احترام مسلم (انسان) بالاتر از حرمت کعبه است.

[۵۵]- حرمت مومن (انسان مومن) از احترام کعبه بالاتر است.

[۵۶]- حرمت مال مومن مثل حرمت خون اوست.

[۵۷]- خون و مال و آبروی مسلمان بر مسلمان حرام و ممنوع است.

قانون تجارت فروش سهام شرکت های سهامی خاص را نیز جرم نمی داند

ماده ۲۱ قانون تجارت ایران[۵۸] که از قانون بلژیک گرفته شده، فروش سهام را منع نکرده است. اگر منع هم می کرد برای نقض آن ضمانت اجرایی قرار نداده است.

حتی اگر فرض کنیم که مطالب فوق صحت ندارد، باز هم عقلاً انهدام تولید مضّر به حال مملکت است. با این اقدام ناروای دادسرا، دنیای کشاورزان، کارگران، گردش پول و اقتصاد استان خراب شده است. این تندروی های نامطلوب و بی تفکّر قبل از این که آبروی کسی را ببرد، آبروی مسوولین را زیر سوال می برد. این اقدام قبل از این که منسوب به متهمین بالقوه شود، به حکومت برخورد می‌کند، که اصلاً به صلاح هیچ کس نیست.

فروش سهام یکی از سهامداران شرکت مادر (Holding) صد در صد صحیح و قانونی و بدون کوچک ترین شائبه ای است.

در شرکت های سهامی خاص اصل بر آزادی انتقال سهام است. این قانون از بلژیک و فرانسه گرفته شده که در آن جا اصل آزادی قراردادی و اومانیسم حاکم است. پس سهامدار حق داشته است و دارد و قطعا و بدون تردید حق خواهد داشت که هر طور مایل باشد بدون هیچ محدودیتی و با هر مبلغی ولو به صورت کلان با تراضی طرفینی، سهام خود را بفروشد.

در شرکت های سهامی عام که شرکت سرمایه هستند، سرمایه شرکت وثیقه طلب طلبکاران است و شخصیت شرکأ در آن اهمیت ندارد و بنابراین، نقل و انتقال سهام آزادانه صورت می گیرد و نمی تواند مشروط به موافقت مدیر یا مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهام باشد (ماده ۴ لایحه اصلاح قانون تجارت).

به موجب ماده ۲۱ قانون اصلاح قانون تجارت حتی پذیره نویسی و فروش در بورس اوراق بهادار توسط بانک ها هم به شرط رعایت اصول شرکت های سهامی عام جایز و

---

[۵۸]- ماده ۲۱ قانون تجارت مقرر می دارد: شرکت های سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانک ها عرضه نمایند و یا به انتشار آگهی و اطلاعیه و یا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر این که از مقررات مربوط به شرکت های سهامی عام به نحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند.

قانونی است. البته اگر به فرض هم این امر برای فروش سهام رعایت نشود، موجب بطلان معامله نمی شود. معامله صد در صد وفق مقررات اسلامی صحیح و قانونی و لازم و لازم الاجرا خواهد بود.

انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت ثبت شود و الا تا زمان ثبت و الزام شرکت به ثبت در مقابل اشخاص ثالث اثر ندارد و انتقال سهام بی نام هم با دست به دست کردن سهام بی نام منتقل می شود.

اقدام سهامدار یک شرکت در فروش هر مقدار از سهام خودش نه تنها منع قانونی نداشته و ندارد و در آینده هم نمی تواند داشته باشد، بلکه به محض انتقال به موجب شرع مقدس لازم الاجرا، لازم الوفا و غیر قابل تخلف می شود.

به طور مسلم، اشتباه در تصمیمات دادسرا موجب ورود ضرر شده است، دادسرا نمی تواند برای اعمال خود قاضی باشد. البته نظر نویسنده نیز در این مورد، برداشت علمی، ایده و قضاوت علمی است. به هر حال، هر گاه ضرر بدون تقصیر هم وارد شود، باز باید خسارات وارده وفق اصل ۱۷۱ قانون اساسی، جبران شود.[۵۹]

با این توصیف خرید و فروش سهام منع قانونی ندارد. اگر خریداران مدعی باشند که ارزش سهام فروخته شده کمتر از ارزش واقعی سهام بوده و مغبون شده اند، با توجه به این که خرید و فروش سهام عقد بیع و یا یک نوع قرارداد است، مدعیان می توانستند به استناد خیار غبن به دادگاه صالح مراجعه و ادعای خود مبنی بر مغبون شدن و خرید سهام به بیش از ارزش واقعی آن را اثبات نمایند و معامله را ابطال کنند. پس از ابطال معامله امکان استرداد سهام و وجوه پرداختی به وجود می آمد.

امّا اگر به تصور پیش گیری از جرم، به انجام جرائم دیگری مبادرت شود، در حالی که هیچ ادعایی موجود نبوده و خواسته باشند اصل و فرع مسترد گردد، این خود اگر یک تخلف انتظامی و جرم نباشد، ورود ضرر به دیگران است و مسؤولیت مدنی را به بار می آورد.

---

[۵۹]- اصل ۱۷۱ قانون اساسی: هر گاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

اگر کسی ادعای ضرر و زیان داشته باشد، باید به دادگاه حقوقی مراجعه کند نه دادسرای عمومی، مگر این که ادعا شود که اصولاً چنین شرکتی وجود نداشته است که سهامی برای فروش عرضه نماید. اساساً جرم انگاری اعمال مباح مردم از طریق سوءِ مدیریت، باعث ضرر و زیان به اقتصاد کشور می شود و کشور را در مقابل دشمنان ضعیف تر می گرداند و هر کسی حق دارد به عنوان یکی از زیان دیدگان، علیه اقدام کنندگان طرح دعوای مسؤولیت مدنی کند.

در فرض های محال اندر محال وقوع جرم نیز، اقدام دادسرا خلاف قانون است.

فرض کنیم اساساً کارخانه ای وجود نداشته و شرکت در عالم خارج ثبت نشده و سرمایه و سهامی نیز وجود نداشته و همه اقدامات متهمین برای کلاهبرداری و بردن مال غیر صورت گرفته است و این اقدام با قصد بردن مال غیر نیز بوده باشد که در پرونده حاضر احتمال وقوع هیچ کدام از این ها وجود ندارد. باز فرض محال کنیم که بیع حرام است و خوردن ربا هیچ مانع قانونی و شرعی ندارد و آزادی معاملات هم وجود ندارد و همه ارکان کلاهبرداری، اعم از ارکان جرم و شرایط خاص کلاهبرداری هم موجود است و هیچ تردیدی در آن نیست! در این صورت نیز دستور دادسرا برای بازخرید سهام سهامداران خلاف قانون است. چون هرگاه ادعای وقوع جرم شود، این امر باید در دادگاه ثابت شود و متهم علاوه بر حق دفاع در دادسرا، حق دفاع در دو مرحله بدوی و تجدید نظر نیز داشته باشد.

دستور دادسرا برای پرداخت سود بانکی هم خلاف است، چون **اولاً** نفس ضرر باید در دادگاه ثابت شود. **ثانیاً** تأثیر اقدام زیان دیده نیز برآورد گردد. **ثالثاً** مقدار ضرر هم، کمتر یا بیشتر از سود بانکی ثابت گردد.

اگر این گونه که دادسرا عمل کرده است صحیح باشد، باید همه دادگاه های بدوی و تجدید نظر و دیوان عالی کشور را تعطیل کرد. فاین تذهبون؟ اگر دادسرا دستور پرداخت خسارت به نرخ شاخص بانک مرکزی هم صادر می کرد، باز هم خلاف قوانین و مقررات موضوعه می بود.

نتیجــه:

پیش گیری از جرم به این معنی است که زمینهٔ بروز جرم از بین برود تا جرمی واقع نشود، نه این که در معاملات روزمره مردم دخالت شود که یکی از طرفین در معاملات تجاری ضرر نکند.

جرم آن چیزی است که قانون تعیین کرده است، نه آن مواردی که دیگران تصوّر می کنند.

در معاملات تجاری گاهی سود است و گاهی زیان. اگر برخی کارهای تجاری زیان آور باشد، اطلاق جرم بر آن به بیراهه رفتن است. توسل و تلاش برای پیش گیری از جرم، جرائم و تخلفات قانونی را جایز نمی گرداند.

ربای معاملاتی مکیل و موزون حرام است. ربای معاملی اشیاء قابل شمارش و معدود را برخی حرام اعلام نکرده اند. تمام رباهای قرض استهلاکی حرام هستند. در قرض های استنتاجی برای معامله، طرفین در سود و زیان شریک هستند. حیل قانونی، برای دور زدن ربا در مواردی که معاملاتی که احتمالاً سودآور نبوده است. برای تأدیه سود به پرداخت کنندهٔ وجوه، در جامعه وجود دارد. امّا به فرض قبول این حیله های قانونی و صحت آن، در مورد حاضر این حیله به کار برده نشده است و استناد به آن به فرض صحت، وجاهت قانونی ندارد.

هرگاه بدون کار، تلاش، معامله و تجارت از دیگری که وجوه نقدی در ید او می باشد، زیاده مطالبه شود، رباست، اعم از این که با رضایت باشد یا با دستور. اخذ ربا منع شرعی و قانونی دارد. در مواردی که اخذ زیاده با دستور باشد «ربای غاصبانه» تحقق می یابد که دو اقدام ناروای نامطلوب است. مسؤولیت مدنی از این قاعده مستثنی است. ولی دادسرا محل اثبات ضمان قهری نیست و نخواهد بود.

اخذ پولی که ناشی از تجارت نباشد، به ویژه اگر از روی اکراه و اجبار باشد، صرف نظر از غیر قانونی بودن، حرام شرعی است. دستور دهنده به پرداخت چنین وجوهی مرتکب اقدامی برخلاف شرع و منویات بزرگان دین شده و علاوه بر تخلف انتظامی و مسؤولیت جزایی، از باب ضمان قهری نیز مسؤول ضررهای وارده است.

به این ترتیب، اگر وجوه مربوط به سهامداران توقیف و خلل در معاملات شرکت ایجاد شده و دستور استرداد وجوه در دادسرا صادر گردیده باشد و یا امر به پرداخت سود بانکی (حتی خسارت تأخیر به نرخ شاخص بانک مرکزی ایران) شده باشد، مخالف قرآن، سنت، عقل، اجماع، قوانین موضوعه، رویّه عقلای عالم و حقوق بشر است. آیا بازگشت از بدی، بازگشت به سوی خدا نبوده و پسندیده نیست؟ الیس منکم رجلٌ رشید؟

احادیث و روایات

۱– البیّعان بالخیار ما لم یفترقا – خریدار و فروشنده مادامی که از هم جدا نشده اند حق فسخ دارند.

۲– المسلم اعظم حرمة من حرمة کعبه – احترام مسلم (انسان) بالاتر از حرمت کعبه است.

۳– انّما یحلّل الکلام و یحرّم الکلام – کلام (عقد) باعث حلّیت یا حرمت می شود.

٤– ان الدّین، دینُ الانصاف و العدل و الحُسن – دین اسلام دین انصاف و عدالت و نیکی است.

٥– تفکّر السّاعه خیرٌ من عبادةِ سبعین سنه، یک لحظه تفکّر از هفتاد سال عبادت بهتر است.

٦– حرمة المومن اعظم عند الله تعالی من حرمة الکعبه – حرمت مومن (انسان مومن) از احترام کعبه بالاتر است.

۷– حرمة مال المومن کحرمة دمهِ – حرمت مال مومن مثل حرمت خون اوست.

۸– شرّ الناس من باع آخرته بدنیاه و شرّ منه من باع آخرته لدنیا غیره. بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیا بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگری بفروشد.

۹– کل المسلم علی المسلم حرام دمهُ و مالهُ و عرضهُ – خون و مال و آبروی مسلمان بر مسلمان حرام و ممنوع است.

۱۰– لاضرر و لاضرار فی الاسلام – در اسلام ضرر و زیان نیست.

۱۱– من اتلف مال الغیر فهو له ضامن – هرکس صدمه به دارایی دیگران بزند ضامن جبران آن است.

۱۲– درهم ربا أعظم عند الله من سبعین زنیّة کلّها بذات محرم فی بیت الله الحرام وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ٤۲۷ (ح ۱۹).

۱۳– شرّ المکاسب، کسب الرّبا وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ٤۲۷ (ح۱۳).

۱٤– أخبث المکاسب، کسب الرّبا وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، جلد ۱۲، ص ٤۲۳ (ح ۲).

۱٥– درهم واحد من ربا أعظم من عشرین زنیّة کلّها بذات محرم وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، جلد ۱۲، ص ٤۲٤ (ح ٦).

۱۷– یا علی! الرّبا سبعون جزءً فأیسرها مثل أن ینکح الرجل أُمه فی بیت الله الحرام وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، جلد ۱۲، ص ٤۲٦ (ح ۱۲).

۱۸– و مَن أكل الرّبا ملأ الله بطنه من نار جهنّم بقدر ما أكل، و إن اكتسب (منه) مالاً لم يقبل الله منه شيئاً من عمله و لم يزل فی لعنة الله و الملائكة ما كان عنده قيراط وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، جلد ۱۲، ص ٤۲۷ (ح ۱۵).

۱۹– إذا أراد الله بقومٍ هلاكاً ظهر فيهم الربا وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، جلد ۱۲، ص ٤۲۷ (ح ۱۷).

۲۰– الربا سبعون باباً أهونها عند الله كالذی ينكح أُمه وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، جلد ۱۲، ص ٤۲۷ (ح ۱۸).

آيات

۱– احّل الله البيع و حرّم الرّبا – خداوند بيع را حلال و ربا را حرام فرموده است.

۲– اوفوا بالعقود – به عقود و قراردادها وفا كنيد.

۳–«... فَلَيُغَيّرنَ خلق الله و من يتخّذ الشيطان ولّياً من دون الله فقد خسر خسراناً مبيناً». = (. . . خلقت خدا را تغيير دهند و هر كس شيطان را دوست دارد نه خدای را، سخت زيان كرده (زيانی) كه آشكارا است) آيه ۱۱۹ سوره نساء.

٤– فاعتبروا يا اولی الابصار!

۵–لاتأكلوا اموالكم بينكم بالباطل الّا – اموال را به باطل نخوريد مگر در مواردی كه...

٦– «و أنّ منهم لفريقاً يلوون السنتهم بالكتاب لِتحسبوه من الكتاب و ما هو من الكتاب و يقولون هو مِن عند الله و ما هو مِن عند الله و يقولون علی الله الكذب و هم يعلمون». (آيه ۷۸ سوره آل عمران)

۷– قولاً سديداً – سوره احزاب آيه ۷۰.

۸– قولاً ميسوراً – سوره اسری آيه ۲۸.

۹– قولاً كريماً– سوره اسری آيه ۲۸.

۱۰– لاتقف ما ليس لک به علم – سوره اسری آيه ۳٦.

۱۱– فاذا قلتم فاعدلوا – سوره انعام آيه ۲۵۲.

۱۲– يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَأْكُلُوا الرِّبَوا أَضْعافاً مُضاعَفَةً وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ– سوره آل عمران، آيه ۱۳۰.

۱۳– و قولوا لهم قولاً معروفاً – سوره بقره آيه ۲۳۵

۱٤– قولوا للناس حسناً – سوره بقره آيه ۸۳.

۱۵– **الَّذينَ يَأْكُلُونَ الرِّبا لا يَقُومُونَ إِلاَّ كَما يَقُومُ الَّذي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطانُ مِنَ الْمَسِّ ذلِکَ بِأَنَّهُمْ قالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبا وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا فَمَنْ جاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهي فَلَهُ ما**

سَلَفَ وَ أَمْرُهُ إِلَي اللَّهِ وَ مَنْ عادَ فَأُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فيها خالِدُونَ*يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبا وَ يُرْبِي الصَّدَقاتِ وَ اللَّهُ لا يُحِبُّ کُلَّ کَفَّارٍ أَثيمٍ*إِنَّ الَّذينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّکاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ*يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِيَ مِنَ الرِّبا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنينَ*فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُؤُسُ أَمْوالِکُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ*٦٠- سوره بقره، آيات ٢٧٥ الى ٢٧٩.

١٦- و هدوا الى الطيّب من القول- سوره حج آيه ٢٤.

١٧- قولاً ليناً - سوره طه آيه ٤٤.

١٨- قولاً بليغاً - سوره نساء آيه ٦٣.

١٩- فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذينَ هادُوا حَرَّمْنا عَلَيْهِمْ طَيِّباتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَ بِصَدِّهِمْ عَنْ سَبيلِ اللَّهِ کَثيراً * وَ أَخْذِهِمُ الرِّبَوا وَ قَدْ نُهُوا عَنْهُ وَ أَکْلِهِمْ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ أَعْتَدْنا لِلْکافِرينَ مِنْهُمْ عَذاباً أَليماً- سوره نساء، آيات ١٦٠و١٦١.

٢٠- و لان لم يفعل ما آمره ليسجنّن و ليكوناً من الصاغرين (= ... و اگر دستورات مرا نپذيرد، زندانی شود و خوار و سرافكنده گردد) سوره يوسف، آيه ٣٢.

منابع

١- ابراهيمی، شهرام، جرم شناسی پيش گيری، جلد نخست، چاپ نخست، انتشارات ميزان، ١٣٩٠.

٢- پاينده ابوالقاسم (گردآورنده و مترجم)، نهج الفصاحه (سخنان پيامبر گرامی اسلام)، حديث ٢٢٦٤ و ٢٢٦٥ و حديث ٢٦٠٧ و ٢٢٣١.

٣- حاجی ده آبادی، جرم شناسی، دانشنامه امام علی، ص ٢٢٥ به بعد.

٤- جهانتاب، مُحَمَّد، داودی ابراهيم، «ارتقای مشاركت محلی در پيش گيری از جرم»، فصنامه مطالعات پيش گيری از جرم، شماره ٢٢، بهار ١٣٩١، ص ١٠٧ الى ١٢٨

٥- ابوجعفر مُحَمَّد بن علی بن بابويه قمی ملقب به شيخ صدوق، **من لايحضره الفقيه**، ج٣، ص ١٧٤..

٦- ابوجعفر مُحَمَّد بن علی بن حسين بن موسی بن بابويه قمی؛ ملقب به شيخ صدوق، **امالی**، ص ٣٤٦.

٧- ابوجعفر مُحَمَّد بن علی بن بابويه شيخ صدوق، خص**ال، كتاب الخصال المحمودة و المذدمومة** (صفات پسنديده و نكوهيده)، مترجم صادق حسين زاده، جلد ٢، ص ٧٠٥.

٨- حرّ عاملی، وسائل الشيعة، جلد ١٣، ص ١٠٨، حديث ٧،

٩- عبد علی بن جمعه العروسی خويزی، نور الثقلين، جلد اول، ص ٢٩٥.

١٠- مُحَمَّد بن شاه مرتضی فيض كاشانی، سفينة النجاة، جلد ١، ص ٥٠٧.

۱۱– علامه مُحَمَّد باقر مجلسی، بحارالانوار، جلد ۱۰۳، ص ٥٤.

۱۲– محمودی، عباسعلی، پیش گیری و ریشه یابی جرم در اسلام، مؤسسه انتشارات بعثت،۱۳٦۱، تهران، چاپ اول.

۱۳– نجفی ابرندآبادی، دکتر علی حسین، پیش گیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر مُحَمَّد آشوری)، تهران، چاپ نخست، ۱۳۸۳.

میرزا حسین نوری، مشهور به محدث نوری، مستدرک الوسائل، کتاب تجارت، باب یک، ص ٤٧٨.

۱٤– نیازپور، دکتر امیرحسین، از حقوق کیفری تا حقوق کیفری قراردادی شده، مجله تخصصی آموزه های حقوق کیفری، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ششمین دوره جدید شماره یک ص ٤۹.

۱٥– نیازپور، دکتر امیرحسین، بزهکاری به عادت، از علت شناسی تا پیش گیری، تهران، ۱۳۸۷، چاپ نخست، انتشارات فکر سازان.

۱٦– نیازپور، دکتر امیرحسین، توافقی شدن آئین دادرسی کیفری، رساله دکتری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹ شمسی.

۱۷– نیازپور، دکتر امیرحسین، حقوق پیش گیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری شماره ٤۸ و ٤۹.

۱۸– نیازپور، دکتر امیرحسین، گفتمان پیمان حقوق کودک، در زمینه پیش گیری از بزهکاری، پژوهش نامه حقوق کیفری، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۸۷ تا ۲۰٤.

۱۹– نیازپور، دکتر امیرحسین، «حق برخورداری از آموزش و پرورش از حقوق بشر تا پیش گیری از بزهکاری»، فصلنامه مطالعات پیش گیری از جرم، ۱۳۹۱، صص ۸۷ الی ۱۰٦.

۲۰– نیازپور، دکتر امیرحسین، «پیش گیری از بزه کاری فرزندان زندانیان، با نگاهی به سیاست جنایی ایران، دایره المعارف علوم جنایی، کتاب دوم، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۱، ص ۸۸٦.

۲۱– حسن بن ابی الحسن دیلمی از علمای قرن هشتم، ارشاد القلوب الی الصواب ، جلد ۱، ص ۱۷٥، تفسیر جامع جلد ۱، ص ۳۹۳.